

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه - کابل

۲۱ اپریل ۲۰۲۰



سنیان شیعه

وقتی بچه بودم، چند ماه تعدادی خانواده سنی در قریه ما پناهنده شده بودند. تفاوت‌های آنان در عبادات کنجکاو می‌بود. کودکان را برانگیخته بود. احساس می‌کردم در اجرای عبادات بسیار سهل‌گیرانده و حتی به نظرم نسبت به خداوند بی‌پروا می‌آمدند. مثلاً ما آموخته بودیم که نماز را با حوصله بخوانیم، در رکوع نود درجه خم شویم، در قیام قد خود را کامل راست کنیم و در سجده فقط پیشانی به زمین نمالیم. اما، همسایگان نو آمده سنی ما بدو آهنگ و فقط با صدای بلند آذان می‌دادند. نماز را بسیار با عجله می‌خواندند، سر خود را مثل ما تا پشت زانو خم نمی‌کردند. اعتماد به نفس عجیبی در نمازشان می‌دیدم.

بعدها به قریه‌های مجاور سنی نشین هم رفتم، دیدم که مسجدشان نیز بسیار ساده‌تر از مسجد ما بود (هرچند در آن زمان اقتصاد آنان بهتر از ساکنان قریه ما بود. زمین بیشتر داشتند. گاهی مردان قریه ما از آن قریه‌ها گندم و جواری و گاه و برنج می‌خریدند). در بیشتر قریه‌ها مسجد فقط یک اتاق یا سالون ساده بود که فرش بوریا یا سترنجی‌های بسیار ساده داشتند. هیچ تجملی در مسجدشان دیده نمی‌شد.

در عبادات ما گریه نقش بسیار مهم داشت. گریه سحرگاهی، گریه بعد از نماز، گریه شب‌های محرم، گریه روز عاشورا، دعا خواندن با لحن گریان و زاری در مسجد تبلیغ می‌شد. شب‌های محرم با سخنرانی و بعد سینه‌زنی و گریه جمعی با صدای بلند رسم معمول بود. مظلوم‌نمایی جزء عبادت بود.

ما با رقص زیاد سرآشتی نداشتیم ولی مهمانان سنی ما به هر بهانه‌ای اتن راه می‌انداختند و زنان و مردان‌شان در حلقه مشترک پایکوبی می‌کردند.

بعدها در کابل هم این تصورم که سنیان عبادات‌شان را با آرامش و اعتماد به نفس بیشتر برگزار می‌کنند تقویت شد. اولین صحنه هیجانی جماعت سنی را در دوران طالبان در شهادت‌های صالحین دیدم که منقبت خوانان با شعرها و آوازهای بسیار هیجان‌انگیز مخاطبان خود را به شور می‌آوردند، اما آن شور نیز با هیجان شیعی ما متفاوت بود. هیجان آنان از

نوع مستی بود و در اوج هیجان کسانی دچار تشنج و از خود رفتگی می‌شدند، از عرق تر می‌شدند اما اشک نمی‌ریختند. ملنگ‌هایی که در زمان طالبان هرکدام سردسته گروهی از "عارفان" بودند، آدم‌های کم‌گپ، لاغر، بی‌توجه به محیط و آرام ظاهر می‌شدند. می‌کوشیدند از خود تصویر بی‌پروا و نترس ترسیم کنند، نه مظلوم و نالان. در مساجد سنجان سنتی کابل نیز متوجه بودم که مالاها با صدای آرام‌تر خطبه می‌خوانند و هیچ‌گاه سخنرانی خود را با داد و فریاد یا محفل‌گریه گروهی پایان نمی‌دهند.

پارسال برای اولین بار هرات رفتم. آنجا با کابل و زابل و غزنی که من دیده بودم تفاوت داشت. در عبادتگاه سنجان مردان گریان را دیدم. در کنار قبر خواجه عبدالله انصاری چند مرد با صدای بلند باهم محفل‌گریه برگزار کرده بودند. در این روزها که ویدیوهای سخنرانی ملا انصاری در فیسبوک دست به دست می‌شود، فریادهای او و گریه و واویلاهای گروهی مخاطبانش مرا دوباره به این فکر انداخت که چرا سنجان غزنی و کابل با آنانی که دور ملا انصاری هراتی جمع می‌شوند آنقدر تفاوت دارند؟ او بیشتر به خطیب یک مسجد شیعی مشهد می‌ماند تا خطیب مسجد سنی کابلی. او بسیار متأثر از شیوه تبلیغ شیعیان است و شاید در غرب افغانستان روحیه شیعی ایرانی مثل تومان شایع گردیده و حتی آنانی که شیعیان را "رافضی" خطاب می‌کنند از نظر فرهنگ مذهبی شیعه‌تر از شیعیان بامیان‌اند.